

فرایند آسیب‌شناسی سند احادیث^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

نفسه شبیری^۲

چکیده

از دیرباز دست‌یابی به احادیث صحیح و جبهه همت دانشمندان شیعی بوده است. در این زمینه تلاش‌های علمی ارزنده‌ای برای کشف آسیب‌متنی و سندی احادیث صورت گرفته است. از علمای معاصر که برای کشف تحریفات اسناد حواشی عالمانه‌ای نگاشته، آیه الله العظمی شبیری زنجانی مد ظله است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با ارائه چند حاشیه از معظم له بر اسناد کتاب الکافی به تحلیل روش اختصاصی ایشان در حوزه کشف تحریفات اسناد پرداخته است. غالباً این شیوه با بررسی و مقایسه نسخ معتبرخطی کهن در یک سند آغاز، و سپس با مشاهده اختلاف و غرابت میان آن‌ها و حصول علم اجمالی به وقوع تحریف در سند و نهایتاً با تکیه به اصول و قواعد حاکم بر طبقات روات و محدثین و اقامه شواهد و مؤیدات، به کشف تحریف در سند می‌انجامد و شناخت این روش‌ها می‌تواند محققین را در استفاده از هوش مصنوعی در قلمرو کشف آسیب‌های اسناد یاری دهد.

کلیدواژه‌ها: آسیب اسناد حدیث، روش‌شناسی، آیه الله العظمی زنجانی، اصول الکافی.

درآمد

دست‌یابی به احادیث صحیح از مهم‌ترین دغدغه‌های دانشمندان و محدثان شیعی بوده و از دیرباز تلاش‌های علمی ارزنده‌ای برای کشف آسیب‌های متن و سندی احادیث صورت گرفته است. صرف نظر از تلاش‌های پراکنده محدثان و فقیهان امامیه در شناخت

۱. با تکیه بر حواشی آیه الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی مد ظله.

۲. استادیار، عضو هیات علمی مؤسسه آموزش عالی رهپویان سید الشهداء (n.shobeyri@gmail.com).

تحریفات اسناد،^۱ نخستین پژوهش روشمند و فراگیر در این زمینه، کتاب منتقی الجمان تألیف شیخ حسن، معروف به صاحب معالم (م ۱۰۰۹ق)، فرزند شهید ثانی است. وی به همراه خواهرزاده و دوست دانشمند خود، سید محمد عاملی، معروف به صاحب مدارک (م ۱۰۱۱ق) از شاگردان ویژه محقق اردبیلی بودند.^۲ محقق اردبیلی در کتاب مجمع الفائدة و البرهان موشکافی‌های گسترده در مباحث فقهی و مبانی آن صورت داده که چالش مشهورات محور آن بوده است؛ به طوری که در لابه لای آن نیز تردیدها و اشکالات جدی در اسناد و رجال حدیث دیده می‌شود. شاید این اشکالات شاگرد وی را به تکاپوانداخته و سبب شده که با ژرف‌اندیشی در کتب حدیثی و مقایسه جدی اسناد مشابه با یکدیگر، نظام جدیدی را برای دانش حدیث‌شناسی طراحی کند که از ارکان آن توجه به تحریفات واقع در اسناد و عوامل پیدایش آن است. کشف نقش غفلت از روش بنای اسناد بر اسناد پیشین در پیدایش سقط در مصادر متاخر،^۳ اثر عدم دقت لازم در شناخت مرجع ضمیر در وقوع سقط در اسناد،^۴ لزوم دقت در مرجع ضمیر^۵ کشف منشأ اضممار در نام معصومان علیهم‌السلام که در اعتباربخشی به احادیث مضمرة نقشی تعیین کننده دارد،^۶ منشأ تبدیل واو عطف به «عن» در اسناد، و تفکیک بین سائل که در سلسله اسناد روایت واقع نشده و راوی احادیث از جمله نتایج ژرف‌اندیشی وی در اسناد احادیث است. پس از منتقی الجمان، مهم‌ترین اثر سودمند در آسیب‌شناسی اسناد، کتاب جامع الرواة است که با بیان تفصیلی اسناد هریک از مترجمین و ذکر راویان از آن‌ها زمینه کشف تحریفات سندی را فراهم کرده است. در جای جای این کتاب نیز بحث‌های ارزشمندی درباره اسناد تحریف شده دیده می‌شود. مرحوم آیه الله العظمی بروجردی نیز با تألیف آثار ارزشمندی در ترتیب اسناد و نیز نگارش حواشی

۱. از نمونه‌های این تلاش‌ها سخن شیخ صدوق در مشیخه فقیه، ج ۴، ص ۵۱۳ درباره طریق وصیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به محمد حنفیه است که در سند آن آمده است: علی بن ابراهیم بن هاشم، عن ابیه، عن حماد بن عیسی، عن ذکوه، عن ابی عبدالله علیه‌السلام. شیخ صدوق درباره این سند می‌گوید: یغلط اکثر الناس فی هذا الاسناد فیجعلون مکان حماد بن عیسی حماد بن عثمان، و ابراهیم بن هاشم لم یلق حماد بن عثمان و انما لقی حماد بن عیسی و روی عنه. این سخن پس از وی در کتاب‌های رجال و حدیث نقل شده است (ر.ک: رجال علامه حلی، ص ۲۸۱؛ رجال ابن داوود، ص ۵۵۶ و...).

۲. أمل الامل، ج ۱، ص ۵۸.

۳. منتقی الجمان، ج ۱، ص ۲۴، ۲۵۰، و...

۴. همان، ج ۲، ص ۵۶۳.

۵. همان، ج ۱، ص ۲۳۲، ۳۷۴، ۴۱۰.

۶. همان، ص ۳۹.

۷. همان، ص ۵۵، ۷۳، ۲۲۹.

عمیق و عالمانه بر اسناد احادیث، گام‌های استواری در شناخت آسیب اسناد برداشته‌اند. ایشان در مقدمه کتاب ترتیب اسانید الکافی، پس از اشاره به این آسیب‌ها و اسباب آن، به ارائه راه حل و کیفیت دست‌یابی به سند صحیح و تحریف ناشده پرداخته‌اند.^۱ روش ترمیم سند بر اساس تتبع و بررسی اسناد مشابه در آثار آیه‌الله العظمی شبیری زنجانی نیز دنبال شده که حاصل آن تنظیم فهرس متعددی بر روی اسناد کتب حدیثی با دوروش ترتیب الاسانید و تعیین طبقات روات (راوی و مروی عنه) است.^۲

کتاب معجم رجال الحدیث نخستین اثر جامع برخاسته از این نگرش است. در این کتاب، ضمن تعیین طبقه هر راوی از طریق معرفی تفصیلی تمام راویان و مشایخ آن‌ها و نشانی دقیق روایات در کتب اربعه، در بخش «اختلاف الکتب» یا «اختلاف النسخ» به تفاوت مصادر و نسخ مختلف در نقل احادیث^۳ و احیاناً ذکر عبارت صحیح اشاره شده است. این دو بخش به همراه بخش تفصیل طبقه الرواة - که نزدیک به نیمی از کتاب معجم رجال الحدیث را به خود اختصاص داده است - بهترین کمک‌رسان به پژوهش‌گران در شناخت آسیب‌هایی است که در اسناد احادیث از سوی مؤلفان یا ناسخان پدید آمده است.

از دیگر منابع ارزشمند در این موضوع، کتاب الأخبار الدخيلة و مستدرکات آن، تألیف محقق رجالی علامه شوشتی است. محور اصلی این کتاب کشف تحریفات در اسناد کتب حدیثی است. وی همچنین در دیگر آثار خود، به ویژه در کتاب قاموس الرجال به بررسی تحریفات در کتب حدیثی و رجالی (به ویژه رجال الکشی) اهتمام جدی نشان داده است. بررسی کامل هر یک از آثار پیش‌گفته نیازمند پژوهش‌های گسترده و نگارش مقالات مستقلی است.

با ورود رایانه به عرصه پژوهش‌های دینی و عرضه نرم‌افزارهای حدیثی گوناگون، از جمله برنامه‌های درایة النور، نرم‌افزار اسناد کتب صدوق و... تحقیقات حدیثی به مسیر جدیدی راه یافت و بر سرعت و دقت پژوهش با استفاده شایسته از این نرم‌افزار به گونه خیره‌کننده‌ای افزوده گردید و پژوهش‌های سندشناسی تحول بنیادی یافت. در این میان، نیاز به بهره‌گیری از تکنیک‌های دانش هوش مصنوعی برای بالا بردن سطح علمی و فنی نرم‌افزارهای تخصصی رجالی به طور جدی احساس می‌گردد. دانش هوش مصنوعی یکی از علوم نوین یاد

۱. تجرید الاسانید الکافی، ج ۱، ص ۳.

۲. با وجود شباهت بین ترتیب الاسانیدهای ایشان و ترتیب الاسانیدهای مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی این دو گروه به گونه مستقل و بدون اطلاع از یکدیگر تألیف شده‌اند.

۳. بر اساس شماره باب و رقم روایت در باب.

است که برای واگذاری پژوهش و فعالیت فکری به رایانه طراحی گردیده است. این دانش بر پایه ساده‌سازی پژوهش‌ها و تبدیل مکانیسم پیچیده یک فرایند فکری به عناصر اصلی و غیر قابل تجزیه استوار است.^۱ پس از شناخت و واگذاری این عناصر اصلی به رایانه می‌توان دریافت که آیا رایانه توانایی شناخت و تحلیل این عناصر را دارا است یا خیر؟ بدیهی است بهره‌گیری از خیل عظیم نرم‌افزارها با تکیه بر کارایی‌های پنهان آن می‌تواند نقش شگرفی در اتقان پژوهش‌های دینی ایفا نماید که بررسی آن خارج از موضوع این نوشتار است.

به طور کلی پژوهش‌های انجام گرفته بر روی اسناد احادیث از مراحل مختلف تشکیل می‌شود. هر دانشمندی در پژوهش خود مراحل را، هر چند ناخودآگاه، می‌پیماید. با شناخت این مرحله و تبدیل هر مرحله به چند مرحله ساده‌تر می‌توان امید داشت که فرایند پژوهش به عناصر اصلی تجزیه گردد، و از این طریق، امکان بازسازی آن به رایانه و به دنبال آن، ترمیم اسناد مشابه فراهم آید. مقاله حاضر مقدمه‌ای است بر پژوهش‌های گسترده که در زمینه امکان بهره‌گیری از دانش هوش مصنوعی در سندشناسی باید انجام گیرد. روشی که در این مقاله اتخاذ شده می‌تواند بر روی پژوهش‌های عالمان رجال بارها آزموده گردد و از مجموع این تلاش‌ها نکته‌های مختلف مؤثر در پژوهش‌های سندشناسی کشف گردد. مقایسه این روش‌ها و ارزیابی نقاط قوت و ضعف هر یک می‌تواند ما را برای رسیدن به روش استاندارد پژوهش‌های سندشناسی یاری رساند.

آیه الله العظمی شیبیری زنجانی از جمله عالمانی است که حواشی ارزشمند بسیاری بر اسناد کتب حدیثی نگاشته‌اند.^۲ در این مقاله تلاش شده با انتخاب چند حاشیه ساده از حواشی ایشان بر اسناد کتاب شریف الکافی، روش تبدیل فرایند پیچیده و ترکیبی پژوهش به عناصر ساده‌تر نشان داده شود تا از این طریق زمینه بهره‌گیری از رایانه و هوش مصنوعی در فرایند آسیب‌شناسی اسناد روایات فراهم گردد.

شایان ذکر است که هر پژوهش دارای دو مرحله انجام و تدوین پژوهش است و هر یک از آن دو از روش‌های متفاوتی پیروی می‌کنند؛ هر چند که در تدوین یک پژوهش ذوق و سلیقه شخصی پژوهش‌گر نقش اساسی دارد و شاید نتوان یک روش واحد را توصیه کرد.

در این مقاله شیوه پژوهش و تدوین حواشی معظم له در شناخت آسیب اسناد مورد

۱. کتاب الکترونیکی هوش مصنوعی، ص ۱۰.

۲. اکثر این حواشی هنوز به زیور طبع آراسته نشده و هم‌چنان به صورت مخطوط نگهداری می‌شوند.

بررسی قرار خواهد گرفت. از آنجایی که برخی از این تعلیقات بسیار طولانی و پیچیده است و بررسی آن‌ها خارج از حدود این نوشتار است. لذا تلاش شده است تا تعلیقاتی محور بحث قرار گیرند که از مراحل پژوهشی کمتری برخوردارند تا بتوان تحلیل روشن‌تری از آن‌ها ارائه نمود، و از این رو هر تعلیقه به چند بند تقسیم شده تا رابطه مراحل پژوهش و مراحل تدوین پژوهش به گونه بهتری معرفی شود.

تحریف در سند احادیث

تحریف - که یکی از مهم‌ترین آسیب‌های سندی است - در لغت معادل منحرف ساختن و در اصطلاح به معنای هرگونه تغییر در کلام است.^۱ از گونه‌های غالبی تحریف در اسناد روایات، تحریف لفظی است که ممکن است در یک سند از سوی مؤلف یا ناسخان کتاب به طور ناخودآگاه اتفاق افتد. شناخت تحریف حرکتی معکوس برای کشف تحریف است که در آن، محقق از عبارت تحریف شده، به عبارت صحیح می‌رسد. این حرکت معمولاً در یک روند منطقی و بر اساس قواعد مشخصی صورت می‌گیرد که با شناخت آن‌ها می‌توان چگونگی مسیر تحریف را شناسایی کرد. تحریف پنج گونه اصلی دارد: قلب، سقط، زیاده، تصحیف (یعنی تبدیل عنوان به عنوان مشابه و تبدیل عنوان به عنوان غیر مشابه) که این مقاله با ارائه و تحلیل برخی از تعلیقات، درصدد کشف قواعد حاکم بر شناخت تحریفات در این پنج گونه اصلی است.

گونه اول. قلب

قلب یا جابه‌جایی می‌تواند در حروف یک کلمه، در کلمات یک عبارت، در عبارت‌های یک متن، و یا در صفحات یک نسخه رخ دهد، در اسناد بیشتر قلب در حروف یا کلمات رخ می‌دهد.^۲ نمونه‌ای از قلب در سند «احمد بن إدريس و محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن محمد بن عیسی بن عبید، عن محمد بن سنان، عن حمزه بن الطیار، عن ابی عبد الله (ع)»^۳ مشاهده می‌شود که آیه الله العظمی شیبیری زنجانی بر آن دو حاشیه مرقوم داشته‌اند که در این جا به نقل و تحلیل آن می‌پردازیم.^۴

۱. لسان العرب، ذیل واژه حرف.

۲. می‌تواند به دلایلی همچون معکوس خواندن عبارت در هنگام مشاهده آن، اشتباه ذهن در هنگام املا درونی آن، اشتباه در هنگام انتقال واژه از مرحله ذهن به مرحله نسخه‌نگاری... صورت گیرد (ر. ک: دانشنامه جهان اسلام، مدخل تحریف و تصحیف).

۳. الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۲.

۴. ایشان در حاشیه این سند علاوه بر این حواشی، در نسخه خود به نقل این روایت از بصائر الدرجات و علل الشرائع و کمال الدین اشاره کرده‌اند که از حوزه پژوهش ما برکنار است.

حاشیه اول

۱. المعهود روایة احمد بن محمد، عن محمد بن سنان بلا واسطه.
۲. و قد روى هذا الخبر عنه بلا واسطه بالرقم (۱).
۳. ولا یبعد وقوع التحریف فی السند.
۴. اما روایة «احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن عیسی، عن محمد بن سنان» فی التهذیب، ج ۹، الرقم ۳۷۵، فالظاهر أنّ «عن احمد بن محمد بن عیسی» زائدة لخلو بعض النسخ منها كما يعلم من الطبعة ولم تذكر فی نسخة السيد الكركی من التهذیب.

حاشیه دوم

۱. الظاهر أنّ الصواب «محمّد بن احمد، عن محمد بن عیسی بن عبید».
 ۲. كما فی الطبعة القديمة من (نع) [الغیبه للنعمانی].
 ۳. وقد اكثر «محمد بن احمد» من الروایة عن «محمد بن سنان» بواسطة «محمد بن عیسی بن عبید».
- غالباً در شناخت تحریف واقع در سند، دو مرحله پیموده می شود: مرحله نخست، اثبات اصل وقوع تحریف. و مرحله دوم، کشف عبارت صحیح. ^۱ محقق، در مرحله نخست، گام های چندی برمی دارد؛ از جمله: مشاهده ناهمواری موجود در سند، و مقایسه روایت با اسناد دیگر برای یافتن تفاوت سند با اسناد معهود و شناخته شده و جستجوی ناهمواری در اسناد دیگر. در این نمونه «احمد بن محمد [بن عیسی]» از «محمد بن سنان» با واسطه نقل کرده؛ با این که «محمد بن سنان» از مشایخ «احمد بن محمد بن عیسی» بوده و «احمد بن محمد بن عیسی» در روایات پرشماری از وی حدیث نقل می کند. ^۲ این امر احتمال وقوع تحریف در سند را تقویت می کند. در مرحله مقایسه سند با دیگر اسناد و در حدیث شماره ۱، «احمد بن محمد» برخلاف سند فوق، از «محمد بن سنان» به گونه مستقیم وبدون واسطه روایت می کند و این امر بیانگر تحریف است. ^۳ گام بعدی برای تکمیل این نتیجه گیری، جستجو و کشف ناهمواری در اسناد مشابه است که شبیه این ناهمواری در سند التهذیب هم دیده می شود، ^۴ ولی

۱. که حاشیه اول در سند مزبور به مرحله نخست و حاشیه دوم به مرحله دوم اشاره دارد.

۲. حاشیه اول، بند ۱.

۳. حاشیه اول، بند ۲.

۴. حاشیه اول، بند ۳.

۵. همان طور که در بند ۴ از حاشیه دوم اشاره شد.

از آنجایی که نسخه‌های التهذیب یکسان نیستند، مثلاً در چاپ پیشین التهذیب و نسخه‌های خطی از آن، عبارت «عن احمد بن محمد بن عیسی» در سند ذکر شده است، ولی در برخی نسخ التهذیب این عبارت وجود ندارد. لذا می‌توان نتیجه گرفت ناهموازی سند با حذف آن عبارت، بر طرف می‌گردد.

در مرحله بعدی، ابتدا پژوهش‌گر در جستجوی دیگر موارد وقوع این حدیث، به غیبت نعمانی می‌رسد که در چاپ سابق آن به جای «احمد بن محمد»، «محمد بن احمد» قرار دارد.^۱ با توجه به این که قلب و جابه‌جایی نام‌ها در یک عنوان، به ویژه در نام‌های نزدیک به هم، همچون «احمد» و «محمد»، یک روند منطقی تحریف است، این احتمال در ذهن پدید می‌آید که عبارت صحیح: «محمد بن احمد» به جای «احمد بن محمد» باشد. با بررسی این احتمال، و با مراجعه به اسناد مشابه و وجود روایات فراوان «محمد بن احمد» از «محمد بن سنان» با واسطه «محمد بن عیسی بن عبید»، صحت «عبارت محمد بن احمد» اثبات می‌شود.^۲

با دقت در تحلیل بالا درمی‌یابیم که ترتیب گام‌هایی که محقق در مرحله پژوهش بر داشته همواره به آن شکلی نبوده که در مرحله تدوین، در قالب یک تعلیقه و یا مشابه آن، به نگارش درمی‌آید و شیوه تدوین پژوهش و نظم‌دهی مراحل آن، به ذوق و سلیقه محقق بستگی دارد. لذا در این سند، هر چند در حاشیه نخست مراحل پژوهش و تدوین دقیقاً یک‌سان است، ولی در حاشیه دوم، نتیجه نهایی پژوهش در آغاز حاشیه درج شده و گام‌های آغازین پژوهش به دنبال نتیجه آمده است.

گونه دوم. سقط (= نقیصه)

سقط در سند با حذف یک یا چند نام از سند رخ می‌دهد.^۳ یکی از موارد سقط سند «احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن حمران، عن الفضل بن السکن...»^۴ است. ایشان برای تبیین سقط در سند، دو حاشیه بر آن مرقوم داشته، ابتدا کیفیت نقل این حدیث در کتاب التوحید را گزارش داده و در حاشیه دیگر آورده‌اند:

۱. لم أجد رواية «ابن عیسی، عن محمد بن حمران» بلا واسطه فی موضع.

۱. حاشیه دوم، بند ۲.

۲. حاشیه دوم، بند ۴.

۳. ر. ک: دانشنامه جهان اسلام، مدخل تحریف و تصحیف.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۸۵.

۲. و قد رواه فی التوحید مسنداً «عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن ابی عمیر، عن محمد بن حمران».

۳. و «ابن عیسی» یروی کتاب «محمّد بن حمران بن اعین» به توسط «ابن ابی عمیر» و «ابن ابی نجران».

۴. و لا ریب فی سقوط «عن محمّد بن ابی عمیر» من السند.

نخستین گام پژوهش، ملاحظه سند در کتاب التوحید است. در این سند برخلاف کتاب الکافی، میان «احمد بن محمد بن عیسی» و «محمد بن حمران» نام «محمد بن ابی عمیر» وجود دارد.^۱ بررسی اسناد مشابه نشان‌گر غرابت و ناهمگونی سند حدیث کتاب الکافی با سیر اسناد است؛ زیرا در هیچ موردی «احمد بن محمد بن عیسی» بدون واسطه از «محمد بن حمران» نقل حدیث نکرده است.^۲ بنابراین سند مزبور در کتاب التوحید با دیگر اسناد حدیثی ناهماهنگ است، به ویژه این که بنا بر گزارش شیخ طوسی^۳ در الفهرست «احمد بن محمد بن عیسی» کتاب «محمّد بن حمران بن اعین» را با واسطه دو شخص نقل می‌کند که یکی از آنها «ابن ابی عمیر» است.^۴ با این روش فرایند آسیب‌شناسی سند حدیث به انجام رسیده، و سقوط: «عن محمّد بن ابی عمیر» از سند حدیث آشکار می‌گردد.^۵

در تحلیل این تعلیقه نکاتی مورد توجه است. نخست، وجه تکیه بر گزارش شیخ طوسی در کتاب الفهرست درباره روایان کتاب «محمد بن حمران» آن است که در گذشته غالباً نقل احادیث از طریق نقل کتاب صورت می‌گرفته است. دوم، در این تعلیقه علت سقوط عبارت: «عن محمد بن ابی عمیر» بیان نشده است و سبب این امر می‌تواند به مشابهت آن با «محمد بن حمران» بازگردد که موجب شده ذهن از «محمد»، قبل از «ابی عمیر»، به «محمد»، قبل از «بن حمران»^۶ انتقال پیدا کند.^۷

۱. بند ۲.

۲. بند ۱.

۳. فهرست الطوسی، ص ۴۱۸.

۴. بند ۳.

۵. بند ۴.

۶. این نکته را هم بیافزایم که این اظهار نظر - که روایت «احمد بن محمد بن عیسی» از «محمد بن حمران» بدون واسطه را نیافته‌ایم - با امکانات موجود در زمان نگارش تعلیقه بسیار دشوار بوده است و نشان می‌دهد که محشی برای نگارش یک تعلیقه کوتاه چه تلاش گسترده‌ای را بر خود هموار کرده است.

۷. در این مقاله با استفاده از نرم‌افزارهای حدیثی و رجالی، به ویژه مجموعه نرم‌افزارهای نور به راحتی به بازپژوهشی این مطلب پرداخته و درستی آن را به روشنی دریافتیم.

گونه سوم. زیاده

زیاده، افزودن کلمه یا عبارتی به سند است، که غالباً درباره عبارات‌های توضیحی اتفاق می‌افتد که در حاشیه سند نگاشته شده و سپس در اثر اشتباه ناسخان بعدی به متن اضافه می‌شود؛^۱ مانند: «علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن ابن ابي عمير، عن يونس [بن عبد الرحمن]، عن ابي يعقوب إسحاق بن عبد الله، عن ابي عبد الله عليه السلام...»^۲ که محشی در توضیح وقوع زیاده در این سند، پس از تنبیه به عدم ذکر «بن عبد الرحمن» در پنج نسخه خطی، چند حاشیه به شرح زیر مرقوم داشته‌اند:

۱. الصواب هو النسخة التي لم يذكر فيها «ابن عبد الرحمن».

۲. والمراد بـ«يونس» هو «يونس بن يعقوب».

۳. وقد رواه الصدوق في الامالي، ص ۲۵۲، المجلس الخامس والستين: «عن ابيه، عن علي بن ابراهيم، عن ابيه، عن ابن ابي عمير، عن يونس بن يعقوب، عن يعقوب بن اسحاق بن عبد الله، عن ابي عبد الله عليه السلام».

۴. ولم اجد مع كثرة الفحص رواية «ابن ابي عمير، عن يونس بن عبد الرحمن» في موضع.

۵. واما «يونس بن يعقوب» فله كتب يرويها «ابن ابي عمير» كما في الفهرست.

۶. وروى عنه في عدة اسانيد.

۷. ورواه في البصائر (ص ۵۳۷) بسند آخر «عن يونس، عن ابي يعقوب إسحاق بن عبد الله».

تفاوت نسخ الكافي در وقوع «بن عبد الرحمن» و عدم آن در سند مزبور، سبب علم إجمالی به تحقق تحریف در برخی نسخ است، از این رو، در این سند امر دایر میان صحت نسخه مشتمل بر عبارت: «يونس بن عبد الرحمن» و وقوع سقط در نسخه «يونس»، و یا عکس آن است.

در بررسی این دو احتمال، پس از تتبع در سیر مصادری که در آن‌ها این حدیث نقل شده، صرف نظر از عدم وجود واژه «بن عبد الرحمن» در اکثر نسخ خطی، در الامالی شیخ صدوق روایتی را می‌یابیم که سند آن، از «علی بن ابراهیم» به بعد، همانند سند الكافی است؛ با این تفاوت که به جای «يونس بن عبد الرحمن» در آن «يونس بن يعقوب» واقع است.^۳ این یافته

۱. ر.ک: دانشنامه جهان اسلام، مدخل تحریف و تصحیف.

۲. الكافي، ج ۱، ص ۴۳، ح ۸.

۳. بند ۳.

مؤید احتمال دوم، یعنی زیاده «بن عبد الرحمن» در سند الکافی است؛ علاوه بر این که مراد از «یونس»، «یونس بن یعقوب» است.

در ادامه، محقق پس از بررسی رابطه روایی «ابن ابی عمیر» با «یونس بن عبد الرحمن»، نتیجه می‌گیرد که چنین رابطه روایی وجود نداشته^۱ و «ابن ابی عمیر» راوی «یونس بن یعقوب» است.^۲ از سوی دیگر، با مراجعه به اسناد، به روایت بسیار «ابن ابی عمیر» از «یونس بن یعقوب» برخورد کرده^۳ و به این نتیجه می‌رسد که عبارت صحیح در الکافی نسخه‌ای است که در آن «بن عبد الرحمن» نیامده است^۴ و مراد از «یونس» در سند الکافی «یونس بن یعقوب» است.^۵ البته در این تعلیقه محشی نکته‌ای در پایان افزوده شده که این روایت در بصائر با سند دیگری به نقل از «یونس» از «ابی یعقوب إسحاق بن عبد الله» نقل شده^۶ که این امر تأییدی دیگر بر صحت نتیجه‌گیری فوق است.^۷ به هر حال، گاه شیوه نگارش تعلیقه و ترتیب گام‌های پژوهشی پیموده شده بیان‌گر درجه ارزشی گزاره‌های رجالی مورد استناد را در نزد محقق است.

گونه چهارم. تبدیل به عنوان مشابه = تصحیف

یکی دیگر از موارد آسیب در اسناد، شباهت دو کلمه به یکدیگر است که سبب تبدیل یک لفظ به مشابه است؛^۸ مثلاً در سند «... حماد بن عثمان، عن عمرو بن الأشعث، قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام...»^۹ ایشان به نقل از برخی نسخ خطی تبدیل «عمرو» به «عمر» را ذکر کرده و افزوده‌اند:

۱. بند ۴.

۲. بند ۵.

۳. چنین پژوهشی نتیجه سال‌ها پژوهش بر روی اصحاب إجماع و نگارش مجموعه سترک اسناد اصحاب إجماع است که «ابن ابی عمیر» و «یونس بن عبد الرحمن» هر دو در شماره اصحاب إجماع‌اند. تعبیر «کثرت فحص» در این بند از این پژوهش گسترده پرده برمی‌دارد.

۴. بند ۶.

۵. بند ۱.

۶. بند ۲.

۷. بند ۷.

۸. این که معظم له در این تعلیقه: ورواه فی البصائر بسند آخر «عن یونس، عن ابی یعقوب إسحاق بن عبد الله» در آورده بند ۷ در پایان آورده‌اند، ممکن است به این مطلب بازگردد که یا ایشان به این نکته پس از نگارش تعلیقه برخورد کرده‌اند، و یا چون سند بصائر از طریق دیگر از «یونس» نقل شده، ایشان ترجیح داده‌اند که آن را به عنوان مؤید در پایان تعلیقه بیفزایند؛ نه به عنوان دلیل و در ضمن استدلال اصلی بر ترجیح نسخه «یونس» بر نسخه «یونس بن عبد الرحمن».

۹. ر. ک: دانشنامه جهان اسلام، مدخل «تحریف و تصحیف».

۱۰. الکافی، ج ۱، ص ۲۷۸، ح ۲.

۱. الظاهر أنّ الصواب هو «عمرو» بالواو.
 ۲. فقد عد الشيخ هذا العنوان في اصحاب الصادق عليه السلام على ما في اكثر نسخه، ويقتضيه سياقه.
 ۳. وهكذا عده البرقي في رجاله.
 ۴. وورد في عدة من الاسانيد.
 ۵. ولم يثبت رواية «عمر بن اشعث» في موضع.
- اختلاف نسخه درباره نام راوی ابتدا به نادرستی یکی از دو نسخه «عمر» و «عمرو» علم اجمالی ایجاد کرده است، و چون راوی مورد پژوهش از امام صادق عليه السلام روایت می‌کند، در روند یافتن عبارت صحیح، محقق به کتب رجالی^۱ از جمله رجال الطوسی به اختلاف نسخه در عنوان «عمرو بن اشعث» برخورد کرده، ولی از آنجایی که در اکثر نسخ کتاب رجال الطوسی، نام راوی را به شکل «عمرو» با واو درج شده است و «عمرو» نیز در عداد راویان شمرده شده، صحت «عمرو» را نتیجه می‌گیرد.^۲ از سوی دیگر، پس از مراجعه به اسناد دیگر و وجود «عمرو بن اشعث» در پاره‌ای از آن‌ها^۳ و عدم ثبوت روایت «عمر بن اشعث»،^۴ به صحت نسخه «عمرو بن اشعث» و مصحّف بودن نسخه «عمر بن اشعث» حکم می‌کند.^۵

گونه پنجم. تبدیل به عنوان غیر مشابه

یکی دیگر از تحریفات، تبدیل یک عنوان به عنوان دیگری است که بین آن‌ها شباهت در کتابت یا در شیوه تلفظ وجود ندارد.^۶ یکی از مصادیق آن، تبدیل (واو) به (عن) است.^۷ نمونه‌ای از این مورد در سند «علی بن محمد، عن سهل بن زیاد، و محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد بن عیسی جمیعاً، عن ابن محبوب، عن ابی اسامه، عن هشام بن سالم، عن ابی حمزه، عن ابی اسحاق السبیبی، عن حذّثه ممن یوثق به، قال: سمعت امیر المؤمنین عليه السلام...»^۸ به چشم می‌خورد.

۱. از جمله رجال الطوسی و رجال البرقی (بند ۲ و ۳).

۲. بند ۲.

۳. بند ۴.

۴. بند ۵.

۵. بند ۱.

۶. ر. ک: دانشنامه جهان اسلام، مدخل «تصحیف و تحریف».

۷. با توجه به نگارش (عن) در زمان‌های پیشین به شکلی شبیه (واو) این نوع از تصحیف اتفاق می‌افتد.

۸. الکافی، ج ۱، ص ۳۳، ح ۱.

- در این سند تحویل رخ داده و مرحوم کلینی با دو سند از «ابن محبوب» نقل می‌کند:
- سند اول: «علی بن محمد، عن سهل بن زیاد، عن ابن محبوب».
- و سند دوم: «محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن ابن محبوب».
- معظم له بر عبارت «عن هشام بن سالم» این تعلیقه را مرقوم داشته‌اند:
۱. یاتی روایة «ابی اسامه، عن هشام» فی ص ۳۲۵.
 ۲. لکن «هشام بن سالم» من مشایخ «ابن محبوب» و قد اکثر من الروایة عنه.
 ۳. و لا یبعد کون الصواب: «و هشام بن سالم» فی الموضوعین.
 ۴. و قد روی الخبر الآتی «ابن محبوب، عن هشام بن سالم» بلا واسطه علی ما فی طریق آخر للخبر.
 ۵. و روی صدره فی ذیل خیر «عن ابن محبوب، عن هشام بن سالم» فی ص ۳۳۹.
 ۶. و یاتی السند الاوّل معطوفاً «هشام بن سالم» علی «ابی اسامه» فی ص ۱۷۸.
- شایان ذکر است در سند ص ۳۲۵ «علی بن محمد، عن سهل بن زیاد، عن ابن محبوب، عن ابی اسامه [عن هشام، و محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن ابن محبوب]، عن هشام بن سالم، عن ابی حمزه، عن ابی إسحاق، قال: حدّثنی الثقه من اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام انهم سمعوا امیر المؤمنین علیه السلام یقول فی خطبه له ...» عبارت داخل گیومه []، عبارتی است که از نسخه چاپی افتاده و محشی با توجه به نه نسخه خطی معتبر این عبارت را به سند افزوده‌اند و در حاشیه «عن هشام»، بعد از «ابی اسامه»، مرقوم داشته‌اند:
- لا یبعد کون الصواب «و هشام»، انظر ما کتبناه علی هامش ص ۳۳.
- این پژوهش با مشاهده ناهمگونی با اسناد شناخته شده «ابن محبوب» آغاز شده است؛ به طوری که در این سند بین «ابن محبوب» و شیخ وی «هشام بن سالم» - که «ابن محبوب» در موارد بسیاری از او روایت می‌کند - «ابو اسامه» واسطه شده است^۱ که خود نیازمند تأمل و دقت است. مرحله دوم برای کشف عبارت صحیح، پی بردن به رابطه روایی «ابن محبوب» و «هشام بن سالم» است.^۲ از این رو، محقق به جستجو در اسناد مشابه پرداخته و به وجود چنین ناهموازی در ص ۳۳۵ می‌رسد^۳ که بین «حسن بن محبوب» و «هشام بن سالم»، «ابو
۱. بند ۲.
 ۲. با مراجعه به مجموعه‌ای که معظم له اسناد اصحاب إجماع، از جمله «ابن محبوب» را مرتب ساخته و مشایخ و شاگردان آن‌ها را مشخص نموده‌اند.
 ۳. بند ۱.

اسامه» واسطه شده است. با تأمل بر این دو حدیث، به صورت همزمان مشخص می‌شود که سند دیگر حدیث دوم به گونه‌ای است که با اسناد شناخته شده سازگاری دارد، و در آن، «ابن محبوب» بدون واسطه از «هشام بن سالم» روایت می‌کند.^۱ همچنین قطعه آغازین حدیث دوم در سندی دیگر به همین شکل بوده است.^۲ این دو نکته قرینه‌گویی بر اصل وقوع تحریف در سند دو حدیث مورد بحث است؛ اما این که چه گونه‌ای از تحریف در سند این دو رخ نموده و اصل سندها به چه شکل بوده مرحله بعدی پژوهش است. از آن جایی که در سند اول این دو حدیث، در موارد مشابه، «هشام بن سالم» بر «اسامه» عطف شده^۳ می‌توان نتیجه گرفت سند دو حدیث مورد بحث نیز چنین بوده است، و در این صورت، این سند با اسناد شناخته شده سازگار می‌گردد.

مواردی که تاکنون ذکر شد، اصل تحریف و نوع تحریف قابل تشخیص است، ولی گاه در یک سند اصل تحریف با قرینه آشکار اثبات می‌گردد، ولی این که در سند چگونه تحریف رخ داده، مورد تردید است که دویا چند راه حل برای حل إشکال سند وجود دارد؛^۴ مثلاً در سند: «محمد بن عیسی، عن یونس، عن حماد، عن عبد الله بن سنان، عن ابي الجارود»، محشی بر عبارت «عن حماد» چنین مرقوم داشته‌اند:

۱. توسط «حماد» فی السند غریب لم یعهد مثله.
۲. وقد اکثر «یونس» من الروایة عن «عبد الله بن سنان».
۳. ورواه فی المحاسن، ص ۲۶۹ بسند آخر: «عن یونس بن عبد الرحمن عن عبد الله بن سنان».
۴. ورواه المصنف فی ج ۵، ص ۳۰۰ بالسند المذكور هنا و سند آخر: «عن یونس عن عبد الله بن سنان و ابن مسکان، عن ابي الجارود».
۵. فلفظة «عن حماد» إمّا زائدة.
۶. منشأها ثبوتها فی السند المشابه لهذا السند المتقدم بلا فصل.
۷. اوآته تحریف «وحماد» بالعطف.
۸. وقد اکثر «محمد بن عیسی» من الروایة عن «حماد بن عیسی»، او «حماد» مجرداً و روی «حماد بن عیسی، عن عبد الله بن سنان او ابن سنان» فی مواضع.

۱. بند ۴.

۲. بند ۵.

۳. بند ۶.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۶۰، ح ۵.

در این سند دو نفر از اصحاب اجماع واقع‌اند: «یونس بن عبد الرحمن» و «حماد» که مراد از آن مردد بین «حماد بن عیسی» و «حماد بن عثمان» است، و از آن جایی که این دو نفر هر دو از اصحاب اجماع‌اند، لذا غریب بودن وقوع «حماد» در این سند^۱ و روایت بسیار «یونس» از «عبد الله بن سنان»^۲ را به سهولت می‌توان دریافت.^۳ برای برطرف ساختن غرابت این سند پس از مراجعه به دیگر منابع یعنی المحاسن^۴ و یا همان کتاب الکافی^۵، اصل وقوع تحریف در این سند آشکار می‌گردد.^۶ پس از کشف اصل وقوع تحریف در سند، پژوهشگر در صدد یافتن اصل عبارت صحیح بر می‌آید و با بهره‌گیری از اصول تحریف و شناخت روند وقوع تحریف به طور کلی و تطبیق این اصول و قواعد بر احتمال مورد بحث صحت و سقم هر احتمالی را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این جا دو احتمال در اصل سند مطرح است؛ احتمال اول: زائد بودن «عن حماد» در سند^۷، احتمال دوم: محرف بودن «عن» قبل از «حماد» و درستی «واو» به جای آن.^۸ درباره هر احتمال دو مرحله مورد بررسی قرار می‌گیرد: نخست امکان منطقی احتمال، و سپس قراین اثبات کننده آن. که احتمال دوم، با توجه به طبیعی بودن تبدیل «واو» به «عن» امکان پذیر است، چرا که اسناد الکافی معمولاً به صورت عنینه بوده و در هر طبقه نام یک راوی واقع می‌شود. وقوع نام دوراوی در یک طبقه برخلاف معمول اسناد بوده و قاعده اصلی باب تحریف که بر اساس تبدیل نام‌آنوس به مأنوس است، امکان تبدیل «واو» به «عن» را به روشنی توجیه می‌کند. ولی امکان احتمال اول یعنی زیاده «عن حماد» به این روشنی نیست و نیازمند توجیه است.^۹ مشاهده «عن حماد» در سندی که بلافاصله قبل از

۱. بند ۱.

۲. بند ۲.

۳. با مراجعه به مجموعه اسناد اصحاب اجماع و مشایخ و شاگردان آن‌ها.

۴. بند ۳.

۵. بند ۴.

۶. گفتنی است که یک ترتیب منطقی بین این دو گام پژوهشی (یعنی درک غرابت سند و تفاوت سند این حدیث در این جا با جاهای دیگر) وجود ندارد و ممکن است آغاز حرکت پژوهش مثلاً از مشاهده سند این روایت در المحاسن مثلاً باشد که محشی در تعلیقه‌ای دیگر نیز به کیفیت سند آن اشاره کرده‌اند، و مشاهده غرابت سند گام دوم پژوهش باشد و ممکن است حرکت پژوهشی از دریافت غرابت سند آغاز شده و با جستجو در سایر موارد وقوع حدیث ادامه یافته باشد.

۷. بند ۵.

۸. بند ۷.

۹. بند ۶.

این سند واقع شده، توجیه‌گر مناسبی برای احتمال زیاده «عن حماد» در این سند است. گفتنی است که زائد شدن عبارت «عن حماد» به دو شکل ممکن است که هر دو با قواعد تحریف سازگار است. یکی آن‌که انس ذهن ناسخ با عبارت «عن حماد» که از مشاهده سند پیشین ناشی شده منشأ زیادتی این عبارت باشد. گونه دیگر این که عبارت «عن حماد» از سند پیشین در برخی نسخه‌ها افتاده بوده و در حاشیه نسخه نگاشته شده و ناسخ متأخر به گمان این که این عبارت از سند افتاده، آن را در این سند وارد کرده باشد.

حال این سؤال مطرح است که دو احتمال فوق چگونه به ذهن محشی خطور کرده است؟ خطور احتمال نخست یعنی زیادتی «عن حماد» با توجه به دیگر روایات، طبیعی است. ولی این که احتمال دوم چگونه به ذهن خطور کرده و چگونه این احتمال مشکل ناهمخوانی سند را با دیگر اسناد برطرف می‌سازد نیازمند توضیح است. لذا در بند پایانی تعلیقه اشاره شده که «محمد بن عیسی» از «حماد بن عیسی» به گونه مستقیم و بدون واسطه «حماد بن عیسی» فراوان روایت دارد و «حماد» در این سند هم می‌تواند «حماد بن عیسی» باشد که از «عبدالله بن سنان» بسیار روایت دارد. و این دو توجیه‌گر شایسته‌ای برای احتمال دوم است. در مجموع هر دو احتمال در این سند از شایستگی لازم جهت توجیه این سند برخوردارند و ترجیح یکی از آن‌ها بر دیگری دشوار است.

در پایان به ذکر نمونه دیگری از تعلیقات مربوط به تحریف و تحلیل آن می‌پردازیم:

احمد بن ادریس، عن الحسين بن عبدالله الصغیر، عن محمد بن ابراهیم الجعفری، عن أحمد

بن علی بن محمد بن عبدالله بن عمر بن علی بن ابی طالب، عن ابی عبدالله ع.

محشی در حاشیه سند مزبور به برخی نسخ خطی اشاره کرده‌اند که در آن‌ها در عبارت «أحمد بن علی بن محمد بن» به جای «بن» در «علی بن» کلمه «عن» وجود دارد. ایشان در حاشیه «عبدالله بن عمر» نیز مرقوم داشته که:

۱. اعقب «عمر بن علی» ب من رجل واحد وهو ابنة «محمد».

۲. فعلیه فیحتمل سقوط «بن محمد». قبل «عمر».

۳. و «علی بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عمر» یلقب «المشطب» توفی سنة ۲۱۶ و

ذکر فی عمدة الطالب، اواخر ۳۵۸.

۴. لکن لم أجد «أحمد ابن المشطب» فی مورد.
۵. و فی أنساب أبی الحسن الشریف، ص ۴۲، س ۴، بعد ذکر علی هذا: علی نسله «محمد».
۶. و علی ای تقدیر فروایه «ابن علی» المتوفی ۲۱۶، «عن أبی عبدالله علیه السلام» بلا واسطه بعیده.
۷. و «القاسم بن جعفر» الملک، و «جعفر» هو أخو «علی» المذكور، کان حياً فی ۳۱۱.
۸. و هذا یؤید نسخه «عن» بعد «علی».
۹. و «محمد بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی بن أبی طالب علیه السلام» یروی عن «جعفر بن محمد علیه السلام» كما فی «جش» [رجال النجاشی].

اختلاف نسخه در عبارت «محمد بن عبدالله» نشان می‌دهد که در یکی از نسخ تحریف رخ داده است، و از آن جایی که که راوی از سادات بوده، برای تعیین نسخه صحیح از نسخه محرف، مناسب‌ترین مصدر، کتب انساب سادات است^۱ که مهم‌ترین آن‌ها کتاب عمده الطالب است. در تنظیم این کتاب درباره فرزندان «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام» نخست نام فرزندان آورده شده، سپس براساس هر نام، فرزندان وی و نیز عقب‌دار بودن و عقب‌دار نبودن هر یک از فرزندان و نیز سادات هر سلسله دنبال شده است. لذا در این جا به قسمتی از کتاب انساب مراجعه می‌شود که درباره فرزندان «عمر بن علی بن ابی طالب» است. نخستین مطلب قابل تأمل درباره این سند این است که در کتب نسب فرزند عقب‌دار «عمر بن علی بن ابی طالب» منحصر در فرزند وی «محمد» دانسته شده است؛^۲ در حالی که در عنوان راوی مورد نظر «عبدالله بن عمر» دیده می‌شود. لذا این احتمال به ذهن می‌آید که در این جا «بن محمد» از سلسله نسب این راوی افتاده باشد.^۳ با افزودن این نام به سلسله نسب «علی بن محمد بن عبدالله» مشکل عنوان برطرف می‌شود؛ چراکه نام این شخص در عمده الطالب ذکر شده و تاریخ وفات این شخص هم در دسترس است.^۴ ولی مسئله این است که برای «علی بن محمد بن عبدالله»، فرزندی به نام «احمد» ذکر نشده است،^۵ بلکه ظاهر عبارت انساب ابی الحسن شریف این است که نسل «علی بن محمد»، در فرزند وی «محمد» بوده است^۶ که می‌تواند از

۱. در زمان نگارش تعلیقه اکثر این کتاب‌ها به چاپ نرسیده بود.

۲. بند ۱.

۳. بند ۲.

۴. بند ۳.

۵. بند ۴.

۶. لازم به ذکر است که انساب ابی الحسن شریف هنوز چاپ نشده است، و نسخه‌ای خطی از این کتاب نسب که ←

آن برداشت شود که «علی بن محمد» فرزندی به نام «احمد» نداشته است. البته صحت این برداشت وابسته به نحوه تفسیر ما از کلمه نسل است. اگر مراد از نسل، مطلق فرزند باشد، تفسیر فوق بجا است؛ ولی اگر مراد فرزند عقب‌دار باشد، این تفسیر نابجا است. نکته دیگر، این که سقط «محمد» از سند با مشکل دیگری رو به روست و آن، این که راوی مورد نظر، بنا بر این احتمال، فرزند کسی است که وفات وی در سال ۲۱۶ یعنی ۷۲ سال پس از وفات امام صادق علیه السلام رخ داده است. روشن است که روایت مستقیم فرزند چنین کسی از امام صادق علیه السلام بعید است.^۱ در تکمیل این اشکال، پس از جستجوی تاریخ وفات دیگر وابستگان راوی مزبور، مشخص می‌شود پسر عموی او در سال ۳۱۱ زنده بوده است.^۲ لذا اشکال بعید بودن روایت آن راوی از «امام صادق علیه السلام» دو چندان می‌گردد و برای حل این اشکال لازم است به اختلاف نسخه‌های کتاب در عنوان راوی مراجعه شود و معلوم می‌شود مشکل حل ناشدنی این سند بر اساس نسخه چاپی است، اما اگر به جای «بن» بعد از «علی» در این عنوان، «عن» گذاشته شود، این مشکل حل شده؛ چرا که «محمد بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب» به تصریح نجاشی در کتاب الرجال خود از اصحاب امام صادق علیه السلام است.^۳ و از جهت طبقه نیز مشکلی در این زمینه وجود دارد.

گفتنی است که ایشان به طور قاطع به صحت نسخه «عن» حکم نکرده، بلکه تنها با عبارت «یؤید»، ترجیح این نسخه را یادآور شده‌اند.^۴ این امر از آن جهت است که اکثر نسخه‌های الکافی موافق نسخه چاپی بوده و جایگزینی «بن» به «عن» از جهت اکثریت نسخه‌های خطی قابل تأیید نیست.^۵

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب پیشین، فرآیند کشف آسیب اسناد روایات، با مشاهده اختلاف نسخ خطی در یک سند، یا تفاوت سند با مصادر دیگری که روایت مزبور را نقل کرده‌اند، و یا

→ به شیوه مشجره نگارش یافته، به دست مرحوم آیت الله جلدی با دقت و حوصله بسیار نگاشته شده است و نشانی تعلیقه فوق به این نسخه خطی است.

۱. بند ۶.

۲. بند ۷.

۳. بند ۹.

۴. بند ۸.

۵. تعلیقات مبسوط معظم له در بابی از اطلاعات است و آمیزه خیره‌کننده‌ای از تلفیق روش‌های متنوع برای رسیدن به یک هدف واحد که همان کشف تحریفات در اسناد است.

مشاهده غرابت سند و تفاوت معنا دار آن با اسناد دیگر، آغاز می‌شود.

نتیجه ناهمگونی نسخ در سند حدیث سبب علم اجمالی به وقوع تحریف است، و پیامد تفاوت سند با سیرمصادر نیز هرچند لزوماً سبب علم اجمالی به رخ داد تحریف در سند نیست، ولی چنانچه یکی از دو کتاب مأخذ کتاب دیگر در نقل حدیث باشد، این تفاوت غالباً منجر به وقوع علم اجمالی به تحریف خواهد شد، و اما مشاهده غرابت در سند تنها احتمال تحریف را به دنبال دارد.

پس از حصول علم یا احتمال تحریف در سند، با بررسی طبقات راویان حدیث می‌توان تا حدود زیادی به عبارت صحیح دست یافت؛ چنان‌که فرایند آن مشروحاً در متن مقاله آمده است.

شایان ذکر است که جهت تسریع در کشف آسیب اسناد لازم است مسیر پژوهش و کتب مورد مراجعه به نحو صحیح انتخاب شود، و در این راستا شناخت مضمون حدیث و مورد اشکال در سند، در انتخاب مسیر تحقیق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ مثلاً چنانچه موضوع حدیث بیان مقامات ائمه باشد، قطعاً بهره‌گیری از کتاب بصائر الدرجات - که یکی از منابع اصلی کتاب الکافی درباره این‌گونه مباحث است - سودمند خواهد بود. و چنانچه اشکال و ابهام در نام یکی از راویان یا اصحاب امامان علیهم‌السلام باشد، می‌توان به کتب موضوعه به اصحاب امامان علیهم‌السلام همچون رجال الطوسی و رجال البرقی، و در درجه بعد به سیرکتب رجالی و اسناد روایات مراجعه نمود، و هرگاه ابهام در نام یکی از سادات رخ دهد، منبع اصلی تحقق کتب انساب سادات است.

در پایان اشاره به این نکته ضروری است که برای دست‌یابی به نتیجه صحیح در جریان پژوهش لازم است اولاً از سرعت و بی‌پروایی در اظهار نظر به شدت پرهیز شود، و ثانیاً با دقت نظر و سعه صدر به هریک از احتمالات مطروحه در بحث توجه کافی مبذول شده، و سپس هریک از آن‌ها را با قواعد تحریف محک زده، و مؤیدات و مضعقات آن‌ها با حوصله گردآوری شوند. در شیوه ارائه نتیجه نیز باید دقت کرد تا دلیل از مؤید، نتیجه‌گیری قطعی از استظهار، و این‌ها هر دو از ترجیح ظنی یک احتمال بر احتمال دیگر جدا سازی شوند.

کتابنامه

- أمل‌الامل، محمد بن حسن حرعاملی، مصحح: احمد حسینی، قم: دارالکتاب
الإسلامی، ۱۳۶۲ق.

- تجرید أسانید الکافی و تنقیحُها، سید حسین طباطبایی بروجردی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۴۰۹ق.
- دانشنامه جهان اسلام، جمعی از مؤلفان، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، از سال ۱۳۶۲ش.
- رجال ابن داوود، حسن بن علی بن داود حلی (ق ۸)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش.
- رجال علامه حلی، ابومنصور جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر حلی (م ۷۲۶ق)، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
- الفهرست، محمد بن الحسن الطوسی (م ۴۶۰ق)، مصحح: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، قم: سازمان چاپ و نشر مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ۱۳۸۷ش / ۱۴۳۰ق.
- کتاب الکترونیکی هوش مصنوعی، ترجمه: سهراب جلوه‌گر.
- لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور (۶۳۰ - ۷۱۱ق)، بیروت: دار بیروت، ۱۳۷۵ق.
- منتقى الجمان فی الأحادیث الصحاح و الحسان، حسن بن زین الدین (شهید ثانی)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۲ش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی